



یکشنبه 17 آبان 1394 - 07:28

خشونت خانگی در مرز هشدار

در نیمه اول سال خشونت‌های خانگی بیشترین علت تماس با اورژانس اجتماعی بوده است...

در نیمه اول سال خشونت‌های خانگی بیشترین علت تماس با اورژانس اجتماعی بوده است

خشونت خانگی در مرز هشدار

«زن و شوهر دعوا کنند، ابلهان باور کنند» این ضرب‌المثلی است که به نظر می‌رسد این روزها معنایش را از دست داده؛ چون آمار دعوای زن و شوهری به قدری جدی شده که گزارش‌های اورژانس اجتماعی نیز آن را تأیید می‌کند.

براساس این گزارش‌ها، دست‌کم حدود 26 درصد تماس‌هایی که در شش ماه اول امسال با اورژانس اجتماعی کشور برقرار شده، علتی جز شکایت از خشونت خانگی نداشته است.

گفته می‌شود خشونت خانگی در جامعه زمانی رواج پیدا می‌کند که اعضای خانواده و به دنبال آن جامعه نیاموخته باشند چگونه با یکدیگر مذاکره کنند، به همین دلیل کوچک‌ترین تنش به پرخاش ختم می‌شود.

هر چند در این بین نهادهایی مانند وزارت بهداشت و سازمان بهزیستی سعی در کنترل این مساله دارند، اما چون این نهادها همکاری مناسبی با یکدیگر ندارند، تلاش آنها نتیجه‌بخش نیست و آمارها در این حوزه هر روز رنگ و بوی نگران‌کننده‌تری به خود می‌گیرد. حبیب‌الله مسعودی‌فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور درباره گزارش عملکرد شش ماهه خط 123 (اورژانس اجتماعی)، می‌گوید: مشکلات حاد خانوادگی و خشونت‌های خانگی بیشترین علت تماس با اورژانس اجتماعی در نیمه نخست امسال بود.

بررسی گزارش بهزیستی در این خصوص از آن حکایت دارد که در این بین مشکلات حاد خانوادگی اعم از طلاق یا دیگر اختلافات و منازعات درون خانوادگی 25 تا 26 درصد تماس‌ها را به خود اختصاص داده است.

زنان بیشتر شکایت می‌کنند

به گزارش ایسنا و براساس آمار بیشترین تماس‌ها با اورژانس اجتماعی نیز به زنان با میانگین سنی بین 20 تا 40 سال تعلق دارد، براساس این اطلاعات می‌توان گفت زنان امروزه نسبت حق و حقوق خود بیشتر آگاه شده‌اند؛ به همین دلیل برای رسیدن به آنچه حق خود می‌دانند از اورژانس اجتماعی تقاضای کمک می‌کنند.

کیهان‌نیا:

خیانت نیز سبب بالا رفتن آمار خشونت‌های خانگی شده و گسترش شبکه‌های اجتماعی زمینه را برای خیانت زوجین به یکدیگر بیشتر کرده است

دکتر اصغر کیهان‌نیا، مشاور خانواده درباره رواج خشونت‌های خانگی و این که چرا زنان بیشترین تماس را با اورژانس اجتماعی گرفته‌اند، به جام‌جم می‌گوید: در این بین چند مساله می‌تواند نقش داشته باشد. سواد، نقش اجتماعی و حتی کمک زنان به اقتصاد خانواده بیشتر شده، بنابراین آنها نمی‌خواهند فقط فرمانبردار باشند. این در حالی است که به صحبت‌های کیهان‌نیا باید

این نکته را اضافه کرد که در این بین تعدادی از مردان همچنان بر روش‌های پدرسالارانه خود اصرار داشته و آن را حق خود می‌دانند.

وی اظهار می‌کند: علاوه بر این نباید نقش انتشار یک‌سری کتاب و ذکر راهکارها را نیز که براساس فرهنگ خارج از کشور تدوین شده و با فرهنگ ما بیگانه است، نادیده گرفت.

مشکلات اقتصادی و خیانت

از تاثیر مسائلی که به شکلی پنهان در جامعه رواج دارد نیز نباید غفلت کرد؛ برای نمونه برخی زنان احساس می‌کنند در طول تاریخ در حق آنها اجحاف شده، زیرا به باور آنها مردان قانون را به شکلی نوشته‌اند که به ضرر آنها تمام شده است. هر چند این مساله در جامعه پنهان است، اما تاثیر آن در خشونت‌های خانگی را نمی‌توان انکار کرد.

البته مسائل اقتصادی نیز در شیوع خشونت‌های خانگی تاثیرگذار است، زیرا سرپرستان خانواده نمی‌توانند به راحتی از پس هزینه‌های خانواده برآیند و این عامل آستانه تحمل آنها را کاهش داده است.

کیهان‌نیا به نقش خیانت در بالا رفتن خشونت‌های خانگی اشاره کرده و یادآور می‌شود: گسترش شبکه‌های اجتماعی نیز در این بین تاثیرگذار است؛ زیرا زنان و مردان در این فضا راحت‌تر به یکدیگر خیانت می‌کنند.

پیشگیری فراموش شده

ریشه شیوع خشونت خانگی را باید در نبود برنامه‌ای جامع و مدون برای پیشگیری در این حوزه دانست؛ به همین دلیل مسائل مختلفی دست به دست هم داده و زمینه را برای گسترش خشونت‌های خانگی مهیا کرده است. مهدی حاج‌اسماعیلی، روان‌شناس در این باره به جام‌جم می‌گوید: مساله پیشگیری را از یاد برده‌ایم. برای جبران این مساله باید وضعیت نظام آموزشی کشور بهبود پیدا کند؛ یعنی شخص از مهدکودک تا دانشگاه در کنار دروسی که فرامی‌گیرد، توانایی حل مساله را نیز به دست بیاورد.

حاج اسماعیلی:

فرا نگرفتن روش حل مساله و ناتوانی در برقراری ارتباط از سوی افراد، سبب بروز افسردگی و پرخاشگری می‌شود

باید یادآور شد اعضای خانواده برای حل مسائل خود آموزش ندیده‌اند به همین دلیل کوچک‌ترین مساله در خانواده به بحران بدل شده و اعضای خانواده به پرخاش و خشونت روی می‌آورند. وی عنوان می‌کند: در کنار فرآنگرفتن روش حل مساله، اعضای خانواده نمی‌توانند به خوبی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند؛ به همین دلیل هنگام بروز مشکل افسرده یا پرخاشگر می‌شوند.

آموزش؛ چاره کار

حسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی کشور نیز در این باره به جام‌جم می‌گوید: همسرآزاری و کودک‌آزاری بیشترین گزارش‌های خشونت خانوادگی را به خود اختصاص می‌دهد.

وی ادامه می‌دهد: خشونت خانگی روی فرد، خانواده و جامعه اثر گذاشته و پیامدهای آن به خود افراد برمی‌گردد. فراموش نکنیم ما در این حوزه قانون داریم، اما نکته اینجاست که شهروندان ممکن است مصادیق آن را ندانند؛ به همین دلیل معمولاً بیشترین آزارهای خانگی از سوی نزدیک‌ترین افراد صورت می‌گیرد بنابراین بسیاری از آزارهای خانگی از غفلت ناشی می‌شود. موسوی چلک می‌افزاید: بهترین راهکار برای مقابله با خشونت خانگی آموزش والدین و افرادی است که در این حوزه فعال هستند. به این ترتیب در کنار پرداختن به مسائلی که سبب پیشگیری از رواج خشونت خانگی می‌شود، باید برای خانواده‌هایی که دچار این آسیب شده‌اند نیز راهکاری در نظر گرفت. در این بین شهرداری به کمک وزارت ورزش و جوانان دست به ایجاد مراکز کنترل خشم زده، اما باید یادآور شد این مراکز نتوانسته‌اند شهروندان را به خود جذب کنند. برای رفع این مشکل باید از ظرفیت سرای محله‌ها نیز استفاده کرد و با برگزاری کارگاه‌های آموزشی درخصوص خشونت‌های خانگی، اعضای خانواده را توانمند کرد. البته پرداختن رسانه‌ها به این مساله نیز می‌تواند راهگشا باشد؛ اما در کنار این عوامل باید از ظرفیت سازمان‌های مردم نهاد نیز بهره برد؛ زیرا گسترش نهادهای مدنی سبب می‌شود اعضای خانواده روش حل مساله را بهتر فرا بگیرند.

اعتیاد و خشونت

شیوع اعتیاد در بین اعضای خانواده نقش پررنگی در گسترش خشونت در خانواده دارد و چون مصرف مواد مخدر عوارضی در پی دارد و به خشونت در خانواده دامن می‌زند. این درحالی است که برخلاف انتظار این روزها تهیه مواد مخدر برای شهروندان دشوار نیست و شخص پس از مصرف مواد مخدر یا در حالت خماری، ترسی از خشونت فیزیکی و کلامی در برابر اعضای خانواده ندارد.

مهدی آیینی

جامعه